

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این است که برای ولیّ، احجاج صبی و صبیّه مستحب است، اما نسبت به مجنون با تحقیقی که انجام شد، دلیلی بر استحباب احجاج مجنون نداریم. یکی از بحث‌هایی که باید مطرح شود این است که کیفیت احجاج چیست؟

کیفیت احجاج صبیّ

پس از اثبات استحباب احجاج صبیّ و صبیّه، بحث در کیفیت این احجاج است. از مسئله نیت، تلبیه، لباس احرام، مسئله طواف و نماز طواف و سعی و وقوف در عرفات، مشعر، قربانی و رمی، کیفیت احجاج چگونه است؟ آیا ما از این روایاتی که در باب احجاج صبی وارد شد، می‌توانیم يك ضابطه‌ای را به دست بیاوریم؟ آن ضابطه چیست؟

مرحوم خوئی و مرحوم حکیم، يك ضابطه‌ای را ارائه داده و گفته‌اند که از روایات استفاده می‌شود. مرحوم والد ما بر فرمایش محقق خوئی (قدس سره) مناقشه کرده و ضابطه‌ی دیگری را ارائه می‌دهد. حال باید از ابتدا شروع کنیم که نیت است، این نیت احرام را چه کسی باید بکند؟ آیا خود صبیّ باید نیت احرام را انجام دهد؛ یعنی ولیّ به صبیّ بگوید نیت احرام کن. باید توجه داشت که فرض این است که این صبیّ، غیر ممیز است و غیر ممیز، قدرت بر نیت ندارد، مخصوصاً اگر صبیّ مولود يك روزه باشد که در این صورت، معنا ندارد که بگوئیم تو نیت احرام کن.

مرحوم والد ما می‌فرماید: «نیّة الاحرام فهي شأن الولي لفرض كونه صبيّاً غير ممیز و هو لا يقدر علي النية بوجه»^[1]؛ این شأن ولی است و ولی باید نیت کند، چون صبی غیر ممیز است توانایی نیت کردن را ندارد.

در روایاتی که در گذشته بیان شد، در صحیح زراره وقتی می‌خواست مسئله احجاج را بگوید، حضرت می‌فرمود: «فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يُلَبِّيَ»^[2]؛ یعنی صبیّ تلبیه بگوید، «وَيَفْرِضَ الْحَجَّ»؛ نتیجه تلبیه این است که حج، منجز شود و تا هنگامی که تلبیه را نگوید احرام منعقد نمی‌شود (در آینده در خصوصیات حج یا عمره، خواهیم گفت که وقتی نیت کرد، تنها با نیت احرام کسی مُحْرَم نمی‌شود و تا زمانی که تلبیه را نگوید، این احرام تثبیت نمی‌شود و وقتی تلبیه را که گفت احرام تثبیت می‌شود).

«يفرض الحجّ»؛ یعنی بعد از این که تلبیه را گفت، احرامش مسلم می‌شود. کسی «يفرض الحجّ» را به معنای «ينوي الحجّ» معنا نکند، یا این که کسی نگوید به این معناست که خود این بچه حج را معین کند؛ چون یکی از معانی فرض، به معنای تعیین است مثل این آیه شریفه: «قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً»^[3] که فرض به معنای تعیین است، یا «فرض الله احكامه علي العباد»؛ یعنی احكام

را خدا تعیین کرده است. بنابراین، عبارت: «يفرض الحج»، نتیجه تلبیه است؛ یعنی بچه وقتی تلبیه را گفت، احرامش منعقد شده و محرم می‌شود.

ممکن است گفته شود که شما که می‌گویید صبی، لازم نیست نیت کند، در صحیح زراره آمده «يفرض الحج»، فاعل «يفرض» صبی است و اگر کسی معنا کند به این که صبی حج را تعیین کند، پس معلوم می‌شود صبی می‌تواند این کار را انجام بدهد و اگر حج را می‌تواند تعیین کند، احرام را نیز می‌تواند نیت کند.

پاسخ این است که «يفرض الحج» در روایت زراره، به این معنا نیست، بلکه بدین معناست که اگر بچه تلبیه را گفت، خود به خود حج منجز و تثبیت می‌شود، طبق قانونی که می‌گوید به مجرد نیت الاحرام، کسی محرم نمی‌شود، همان طوری که در نماز اگر کسی نیت نماز کرد، اما هنوز تکبیر الاحرام را نگفته، نماز منعقد نمی‌شود. در باب حج نیز تا هنگامی که تلبیه صادر نشود احرامی منعقد نشده و حج شروع و محقق نمی‌شود.

بررسی تأثیر الفاظ صبی

بزرگان يك بحثي دارند که الفاظ صبی، حتي صبیّ ممیز کالعدم است و لذا در بحث انشاء، به «رفع القلم عن الصبي» تمسک کرده و می‌گویند اصلاً قول صبی کلاقول است، انشاء او، کلاانشاء است. در این روایت آمده که امام (علیه السلام) می‌فرماید صبی حتي اگر غیر ممیز است، با تلقین ولی تلبیه را بگوید، معلوم می‌شود که ما نمی‌توانیم بگوئیم لفظ صبی کلا لفظ است و کالعدم است. اینکه لفظ صبی کالعدم است در کلمات خیلی از فقها وجود دارد. ما نمی‌توانیم بگوئیم اقرار صبی کلا اقرار است، انشاء عقدش کلا انشاء است و به ادله رفع القلم تمسک کنیم، در اینجا آمده اگر صبی بتواند تلبیه بگوید، تلبیه را بگوید و این تلبیه موجب تثبیت حج او می‌شود.

ولی که می‌خواهد صبی را احجاج کند، اولین مطلب نیت است، گفتیم صبی قدرت بر نیت ندارد، اگر قدرت بر نیت ندارد ولی احرام صبی را نیت می‌کند نه اینکه ولی خودش، احرام خودش را نیت کند، بلکه ولی احرام صبی را نیت کرده و می‌گوید من احرام می‌بندم و مُحرم می‌کنم صبی را.

بیان دیدگاه‌ها در استفاده قاعده کلی از روایات

دیدگاه نخست: یک دیدگاه (که مرحوم والد ما از روایات استفاده می‌کند) آن است که بگوئیم روایت می‌گوید هر چه را که صبی خودش می‌تواند انجام بدهد مثل نیت کردن، خودش نیت کند، می‌تواند تلبیه بگوید خودش تلبیه کند، می‌تواند لباس احرام بپوشد خودش لباس احرام بپوشد، مواردی را که نمی‌تواند، ولی او انجام بدهد.

دیدگاه دوم: دیدگاه مرحوم خوئی است که يك مقدار دایره را ضیق‌تر کرده و می‌گویند این روایات دلالت دارد که در افعال خارجی مثل طواف، سعی، اگر صبی خودش می‌تواند انجام بدهد و اگر نمی‌تواند، ولی انجام بدهد. اگر آن قاعده را استفاده کردیم، به حسب قاعده می‌گوئیم اگر صبی غیر ممیزی می‌تواند نیت کند (یعنی اگر ولی به او تفهیم کند می‌تواند نیت کند هر چند ممکن است پنج سالش باشد و عرفاً غیر ممیز است و می‌تواند نیت کند)، پس باید نیت کند. البته ممکن است کسی بگوید ما از این روایت قاعده‌ای را به دست نمی‌آوریم، بلکه آنچه در اینجا است آن است که خود ولی، نیت کند.

پرسش بعدی آن است که آیا مستحب است که این نیت را لفظ کند؟ چون در باب حج یا عمره، کسی که می‌خواهد برای خودش انجام دهد، تلفظ به نیت مستحب است، حال در جایی که ولی می‌خواهد صبی را احجاج کند، تلفظ به این لفظ (یعنی این که بگوید: «اللهم إني أحرمتُ هذا الصبي...»)، آیا مستحب است یا خیر؟

مرحوم سید در عروه می‌گوید مستحب است، محقق خوئی (قدس سره) می‌گوید: «لا دلیل علیه»؛ دلیلی بر استحباب تلفظ نداریم و استحباب تلفظ به نیت، در آنجایی است که انسان اعمال حج را برای خودش انجام بدهد، ولی در جایی که بچه را احجاج می‌کند، استحباب ندارد.

حق با مرحوم خوئی است که دلیلی بر تلفظ نداریم که بگوئیم تلفظ به این نیت استحباب دارد. ممکن است گفته شود که تلفظ به نیت در باب عبادات، از باب یک قاعده استحباب داشته و صحیح است و این احجاج ولی نیز، یک نوع عبادت است. لذا نیاز به دلیل خاص ندارد.

به بیان دیگر، اگر در جواب از مرحوم خوئی بگوئیم اگر برای هر عبادتی، برای خصوص آن نیاز به دلیل داشتیم، در باب تلفظ به نیت اشکال شما، اشکال خوبی است و می‌گوئیم اینجا دلیل نداریم، اما ممکن است کسی بگوید یک قاعده کلی داریم که در باب نیت در عبادات، تلفظ آن مستحب است. اگر چنین قاعده‌ای به میدان آید، حرف مرحوم سید درست می‌شود و شاید مرحوم سید از همین باب مستحب می‌داند.

نکته دیگر آن که در صحیح ابن حجاج، آمده است: «إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَحْرَمُوا عَنْهُ»^[4]، ما می‌گوئیم ولی، صبی را احرام ببندد. مرحوم والد ما می‌فرماید اینکه در صحیح ابن حجاج آمده، «لیس المراد هو إحرام الولي عن الصبي»؛ مقصود این نیست که ولی به نیابت از صبی مُحَرَّم شود، «کالاحرام المتحقق من النائب، فالمراد هو الاحرام به»، دلیل ایشان بر این معنا، آن است که در روایت می‌گوید: «فأحرموا عنه»، یا در صحیح معاویه بن عمار آمده: «یصنع بهم ما یصنع بالمحرم» و در صحیح زرارہ آمده: «یتقی علیهم ما یتقی علی المحرم»، در جایی که کسی نائب شود، اتقا بر نائب واجب است، حال آن که فرض ما این است که بچه را محرم می‌کنیم، باید او را از بوی خوش یا از لباس مخیط (اگر مذكر است) و سایر محرّمات خارج کنیم.

بنابراین، چون در اینجا باید احکام مُحَرَّم را نسبت به خود صبی نیز رعایت کنیم، این قرینه می‌شود که عبارت: «فأحرموا عنه» در روایت صحیح ابن حجاج، مراد احرام «به» است نه احرام «عنه».

تا اینجا نیت و تلبیه برای صبی روشن شد. اگر خود صبی می‌تواند تلبیه را بگوید هر چند به تلقین ولی، باید بگوید و اگر نتوانست ولی می‌گوید. بعد لباس احرام است، بر ولی واجب است که دو لباس احرام بر این صبی بپوشاند که البته قبل از تلبیه است، اما مهم طواف است؛ چون بعد از نیت، لباس احرام و تلبیه، ولی صبی را به مسجد الحرام می‌آورد و می‌خواهد طواف بدهد.

در اینجا در بعضی از روایات آمده: «یطاف به»، این ولی صبی را طواف می‌دهد؛ یعنی یا روی دوش خودش می‌گیرد یا این که اگر بچه است، او را در بغل خودش نگه می‌دارد و حمل می‌کند. در آن روایت صحیح معاویه بن عمار داشت: «یطاف بهم و مُرّ الجاریه»، در صحیح ابن حجاج آمده: «أن تطوف به»، منتهی بحث مهم در اینجا آن است که در این طواف؛ (1) آیا طهارت صبی و ولی هر دو لازم است؟ (2) یا طهارت ولی به تنهایی لازم بوده و طهارت صبی لازم نیست، (3) یا بالعکس؛ طهارت صبی لازم است و طهارت ولی لازم نیست، (4) یا طهارت هیچ کدام لازم نیست. بنابراین، چهار احتمال در این که آیا نیاز به وضو دارد یا خیر در اینجا مطرح است.

[1] تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج، ج1، ص: 46.

[2] «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُنْتَى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليهما السلام) قَالَ: إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِإِبْنِهِ وَهُوَ صَغِيرٌ فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يَلْبِيَّ وَيفْرِضَ الْحَجَّ فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يَلْبِيَّ لِبِّي عَنْهُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ يُصَلَّى عَنْهُ قُلْتُ لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ قَالَ يُذْبَحُ عَنِ الصِّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ وَ يُتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يُتَّقَى عَلَى الْمُحْرِمِ مِنَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ فَإِنْ قَتَلَ صَيْدًا فَعَلَى أَبِيهِ.» الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج4، ص: 303.

[3] سورة بقره: آيه 237.

[4] «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ مَعَنَا صَبِيًّا مَوْلُودًا فَكَيْفَ نَصْنَعُ بِهِ فَقَالَ مَرُّ أُمِّهِ تَلْقَى حَمِيدَةً فَتَسْأَلُهَا كَيْفَ تَصْنَعُ بِصَبِيَّانِهَا فَأَتَتْهَا فَسَأَلَتْهَا كَيْفَ تَصْنَعُ فَقَالَتْ إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَحْرِمُوا عَنْهُ وَ جَرِّدُوهُ وَ غَسِّلُوهُ كَمَا يُجَرِّدُ الْمُحْرِمُ وَ قَفُّوا بِهِ الْمَوَاقِفَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ فَارْمُوا عَنْهُ وَ احْلِفُوا رَأْسَهُ ثُمَّ زُورُوا بِهِ الْبَيْتَ وَ مَرِيَ الْجَارِيَةَ أَنْ تَطُوفَ بِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.» الكافي 4- 300- 5 و وسائل الشيعة، ج11، ص: 287286، ح 14817- 1.